



امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیک تر از سیاهی چشم به سفیدی اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱

سند اولیہ

سیاستہما اصولہما در تنظیم

سند زمانہ مسلمین جہان

استاد علامہ حجت الاسلام والمسلمین
سید منیر الدین حسینی الهاشمی
مدیریت تدوین اسناد علمی

بانک اطلاعات
معاونت علوم اسلامی
دفتر فرہنگستان

بسمه تعالی

مجموعه حاضر، گزارش مباحث پژوهشی، علمی مرحوم استاد علامه آیه‌الله سید منیرالدین حسینی الهاشمی می‌باشد که طی ۳ جلسه، از تاریخ ۱۳۷۴/۰۷/۱۰ الی ۱۳۷۴/۰۷/۱۴ به بحث پیرامون «سیاست‌های اصولی در تنظیم سند زنان مسلمان جهان» پرداخته است.

این مجموعه جهت استفاده کلیه کسانی که در جریان تحقیق مزبور قرار دارند، از نوار، پیاده و با تغییرات جزئی لازم، مورد تصحیح قرار گرفته و عنوان گذاری شده است. لذا صرفاً ارزش تحقیقاتی دارد.

ضمناً از همه همکارانی که در تنظیم این مجموعه ما را یاری رسانده‌اند، تقدیر و تشکر می‌نماییم.

فرهنگستان علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: سیاست‌های اصولی در تنظیم سند زنان مسلمان جهان	کد پژوهش: ۲۳۹
شماره جلسه: ۱	کد جلسه: ۲۵۳۰
تاریخ جلسه: ۱۳۷۴/۰۷/۱۰	کد صوت: ۳۷۳۲
مدت جلسه: ۳۶ دقیقه	تعداد جلسات: ۳
تعداد کلمات: ۲۹۴۸	

شناسنامه تدوین

نامشخص	پیاده:
نامشخص	تایپ:
خانم ن. توسلی	تطبیق:
خانم ف. فداکار	تصحیح (۱):
محمد نیکوحر فیان	کنترل نهایی:
علی فقیهی	تصحیح (۲):
خانم ز. کریمی	مقابله:
علی فقیهی	تصحیح (۳):
علی فقیهی	صفحه‌آرایی:

جلسه اول

استاد حسینی: بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين، انه خير ناصر و معين و صَلَّى الله على سيدنا و نبينا أبا القاسم محمد (اللهم صل على محمد و آل محمد) و على أهل بيته المعصومين المنتجبين المكرمين و اللعنُ على اعدائهم اعداء الله من الآن إلى يوم الدين.

بحثی را که امشب خدمتتان هستيم بحول الله و قوته، دربارهٔ سندی است که زنان مسلمان جهان تنظيم بکنند و در حقيقت ما می خواهيم یک زمينه ای فراهم بکنيم که زن ها راهشان را اين نبينند که اگر عدالت بخوانند، بايد بروند دور و بر چارچوب سازمان بين المللی، و در آن چارچوبی که آنها درست می کنند، اينها بخوانند تقلا بکنند، بخوانند حرکت بکنند، بلکه قصدمان اين است که - ان شاء الله تعالى - اينها ابتکار عمل را به دست بگيرند، زیر پرچم نظام ولايت فقيه برای تعريف عدالت.

خُب، حالا، ما در اين کار، یک سندی می خواهيم درست کنيم که اين سند را ملت ها امضاء بکنند؛ يعنی مردم شيعهٔ دنيا امضاء بکنند؛ يعنی در حقيقت، یک

موافقت‌نامه‌ای باشد، یک مصوبه‌ای باشد که از کشورهای مختلف، جهان شیعه، زنانشان حاضر بشوند این سند را امضا بکنند، انجمن‌هایشان بتوانند امضاء بکنند. احیاناً یک شعارهایی را طرح کند در عدالت، که دنبالش شعورهای الهی تحریک بشود و اخلاق الهی ترویج بشود. برای این کار - به حضورتان که عرض کنم که - باید ما معرفی بکنیم که آیا سند، چه نقشی را دارد؟ نقش آیا یک اساس‌نامه را دارد برای یک حزب؟ نقش یک مرام‌نامه را دارد؟ نقش یک طرح تشکیلات و نظام‌نامه را دارد؟ نقش یک آیین‌نامه گردش عملیات در نظام را دارد؟ نقش یک برنامه تحقق یک آرمان‌هایی را دارد؟ تحرک یک سازمان برنامه‌اش، باید این باشد؟ چه هست؟

اینکه می‌گوییم یک اساس‌نامه مورد اتفاق - به اصطلاح - در یک سند مورد اتفاق ملت‌ها، که آن سند - به حضورتان که عرض کنم که - قابل باشد که آدم بگوید که اینها حتماً این را می‌خواهند برای خودشان، برای جامعه‌شان و در مجامع جهانی هم می‌خواهند صحبت کنند، این چیست؟

آیا اهداف استراتژیک را که راهکار هست قرار بدهیم یا مرام‌نامه را که اول گفتیم؟ یا استراتژی رسیدن به اهداف را؟ و یا یک سیاست‌های بلند مدتی؟ یا یک برنامه کار است برای رسیدن به یک مقصد؟ موضوع چه چیزی باید باشد؟ قطعاً موضوعاتی را که ذکر می‌کنیم، به معنای آیین‌نامه گردش عملیات یک سازمان نیست، به معنای نظام توزیع قدرت، نظام‌نامه، یا چارت سازمانی نیست. ما لازم داریم، باید علی‌حده تنظیم کنیم. به عنوان یک اساس‌نامه‌ای که اساس حرکت را ترسیم بکند، آیا هست یا نه؟ پس صحبت این است که آیا این اساس - نامه است، مثل قانون اساسی؟ یا اینکه یک مرام‌نامه است؟ یا اینکه یک خطوط اصلی استراتژیک است؟ ظاهراً باید ترکیبی از این سه تا باشد؛ یعنی ما باید در هر فصلی که می‌رسیم، مرام را موضوعاتش را بگوییم، استراتژی رسیدن به آن مرام

جلسه اول ۷

را هم بگوییم، اساس مورد توافق را هم بگوییم؛ یعنی اصولی مورد توافق باشد که بتواند حرکت جمعی را در جهت، بر اساس آن استراتژی، به طرف آن مرام تنظیم بکند. حالا این را آیا خردش که می‌کنیم، چه گونه باید خردش کنیم؟ در سند باید چه گونه خرد کرد؟ آنها آمدند، گفتند فقر، بهداشت و امثالش، ما چه کار باید بکنیم؟ ما هم همان گونه باید بیاییم در مسائل کمی خرد ریز؟ یا بخش سومش را همیشه کمی بکنیم؟

آقای رضایی: بخش سوم که اصول اساسی مورد توافق است؟

استاد حسینی: اصول اساسی مورد توافق، هدفمان هم مورد توافق است. اساس نامه مان باید برگردد به موضوعات خرد یا اینکه خطوط استراتژی مان، ... آقای رضایی: یا مرام نامه.

استاد حسینی: یا مرام نامه. قطعاً مرام نامه نباید به موضوعات خرد برگردد.

آقای رضایی: بله.

استاد حسینی: مرام نامه باید کلان‌ترین موضوعات را نشان بدهد، که اهداف استراتژیک است، بعد خطوط اصولی استراتژیک نیز باید ابزارهای تحقق آن مرام را به توافق برساند. بعد اساس نامه را آیا در شکل موضوعات بسیار کلی بیآوریم، یا بیآوریم در جزئیات؟ جزئیات متناسب باید باشد با آن استراتژی‌ها، نه جزئیات بسیار خرد حقوقی.

آقای رضایی: بله.

استاد حسینی: آیا اینها را، نهایتاً آیا به صورت حقوق مقابله خرد هم باید بیاید یا نه؟ روی چه موضوعاتی باید دقت کنیم؟ خُب، حالا ما سه تا هدف را امشب آغاز می‌کنیم.

می‌گوییم اگر ما بگوییم توسعه امنیت باید برای زن‌ها، مشارکتشان در توسعه امنیت، حَقشان حفظ بشود. پس بنابراین، حق حضور زنان در توسعه امنیت. ۲.

مشارکت زنان در توسعه تفاهم فرهنگی. ۳. حضور و مشارکت زن‌ها در توسعه مقدرات اقتصادی.

این را اگر به صورت کلی امشب موضوعاتش را معین بکنیم، حالا طریقتش را بیایم ذکر کنیم. تغییر موازنه سیاسی، این می‌شود استراتژی. تغییر موازنه سیاسی در جهت بالا بردن سهم مشارکت زنان در توسعه فرهنگی. تغییر توازن فرهنگی در جهت توسعه مشارکت زنان در تفاهم فرهنگی، تغییر توازن اقتصادی در جهت بالا بردن مشارکت زنان در توسعه مقدرات اقتصادی.

پس موازنه همیشه صحبت می‌کند که چه کسی سهم بیشتر دارد، و لکن اهداف استراتژیک می‌گوید اصلاً مشارکت پیدا کند در توسعه، منهای اینکه سهمش چقدر است.

آقای رضایی: بحث از سهم که اهداف نمی‌شود؟

استاد حسینی: نه. بحث از سهم نمی‌شود، بحث از حضور در توسعه است، و لکن در این طریقتش برای اینکه آنها بتوانند آنجا حضور پیدا کنند، باید، آقای رضایی: بحث از موازنه بشود.

استاد حسینی: بحث از موازنه بشود و در مرحله اصول اساسی، می‌بینیم که آیا اساس‌نامه می‌بینیم آیا زن‌ها در چه مواردی از امور سیاسی در محدودیت به سر می‌برند؟ و تعلیمشان روی چه موضوعاتی است که آسیب‌پذیر است؟ در امور فرهنگی در تفاهم در چه اموری آسیب‌پذیر هستند و موازنه بر علیه‌شان است؟ مواردش را معین کنیم.

آقای رضایی: زن‌ها را که می‌فرمایید به نحو عام می‌فرمایید، یا غربی‌ها را می‌فرمایید؟

استاد حسینی: اینجا که ما داریم صحبت می‌کنیم، می‌خواهیم بگوییم زن کلاً در جهان فعلی، در نظام موجود جهان از اقشاری هستند که محرومیت بر آنها

تحمیل شده، که حالا این را دقیقش هم می‌کنیم. یعنی فی حدّه که می‌گویند یعنی ما معتقد هستیم که، مردها هم البته همین طور محرومیت بر آنها تحمیل شده؛ یعنی به عبارتِ اُخری، تصمیمات شورای امنیت، یک قید نخورده که بگویند اگر مثلاً هتک نوامیس باشد، اجازه ندارد شورای امنیت بگوید کمک کردن به مسلمین بوسنی و هرزگوین باید یک طرفه محدود بشود. مرز می‌گذارد برایش، بگویند که این مرز ناچار بکند طرفین جنگ را، ببینند که این از یک حد که می‌گذرد، دیگر - به اصطلاح - مصوبات بین‌المللی، قادر نیست تصویب‌نامه به نفعشان درست کند. دقت فرمودید چه عرض می‌کنم! - مثلاً عرض می‌کنم - ، هر گاه یک فرضی را می‌گذارند کنار فرض موجود، می‌گویند شورای امنیت تصویب کرد که کمک به مسلمین بوسنی هرزگوین فعلاً نشود، برای اینکه تشدید جنگ نشود. این تصویب مصوبه شورای امنیت، به یک چیز قید ندارد، که بگویند مادامی که به کودکان، زنان آسیب نرسیده باشد. این عام است؛ یعنی بگویند مادامی که جنگ بین نیروهای نظامی باشد، بگویند اگر یک بمب افتاد داخل مراکزی که مردم عادی هستند که در آن زن‌ها، یعنی کسانی که حضور در جنگ ندارند، آسیب رسید، ملت‌ها می‌توانند این قطعنامه را ندیده بگیرند، هرگونه کمکی را بکنند، هیچ کس حق ندارد مانع بشود. ایران می‌خواهد از اینجا جنس بفرستد، از مسیر ترکیه - آلمان به بوسنی و هرزگوین. حق ندارد ترکیه مانع بشود، بگویند چرا، ماشین از اینجا حرکت می‌کند، اسلحه می‌برد.

ترکیه می‌آید جلو، می‌گوید مملکت من است، حق ندارد برود. ایران می‌گوید طبق گزارش خبرنگارها، الآن آنجا زن‌ها در معرض تهاجم هستند، حق ندارید مانع بشوید! یعنی اختیارات دولت‌ها محدود بشود، مثل محدود شدنش به حق وتو، که نماینده آمریکا یا انگلیس یا فرانسه قلم را بلند می‌کند، رأی همه ملت‌ها می‌رود کنار، محدود بشود به حقوق محرومین. تحریم اقتصادی می‌شود، می-

گوییم تحریم اقتصادی شامل شیر بچه، داروی زن باردار، اینها نمی‌تواند باشد. بگویند - به حضورتان که عرض کنم که - حقوقی را که ما برای یک قشر محروم قائل هستیم، این حقوق، امنیت دارد از تهاجمات بین‌المللی.

شورای امنیت نمی‌تواند تصمیمی را بگیرد که مخالف حقوق اینها باشد. این یک سطح از کار است.

آقای رضایی: این از مواردی است که ما در آسیب‌پذیری در امور سیاسی که می‌خواهیم بگوییم؟

استاد حسینی: بله، احسنت!

آقای رضایی: این از همان موارد است؟

استاد حسینی: بله، احسنت!

آقای رضایی: [؟]

استاد حسینی: اینها را بعداً عامش را می‌آوریم. اینها می‌آیند در امور اصولی قسمت پایینی که باید تصمیم‌گیری‌ها مقید بشود به رعایت حدود اینها، نه اینکه هیچ حدی نداشته باشد. خبرنگارها خودشان می‌آیند، شکم زن را پاره می‌کنند، شرط می‌بندند بچه داخل شکم زن، این دختر است یا پسر!! آن کسی که باخته، سر این بچه را مثل توپ جلوی مادرش می‌برد و می‌اندازد هوا! یا مثلاً زنی را از بس با او آمیزش می‌کنند، کشته می‌شود؛ یعنی یک اخلاقی که وجدان بشر نمی‌تواند این را تصویب کند، ولی شورای امنیت می‌تواند بگوید که در عین حال همه این فسادها و ظلم‌ها و شدت‌ها، هیچ کس کمک نکند! ولی اگر یک نفر از آن پنج نفر وتویش بکند، همین هیچ کس کمک نمی‌کند، به هم می‌خورد. خوب، این وتو، پس بنابراین شده ابزار برای قلدری قلدرها بر علیه مظلوم‌ها! بالعکسش باید قابل وتو باشد! اگر همه آنها، همه آنها و همه ملت‌ها رأیشان چنین شد، و لکن نماینده زن‌ها قلم را بلند کرد، نماینده‌ای که از طرف دفاع از حقوق بشر

هست - به اصطلاح - ، قلم را بلند کرد، گفت این ضد حقوق بشر هست، و نحوه اینکه چه گونه نماینده برود آنجا که جزء دولت‌ها نباشد؟ ملت‌ها چه گونه می‌توانند نماینده بفرستند؟ آیا باید حتماً از طریق نظام‌ها، نماینده برود داخل سازمان ملل؟ یا اینکه مثل انتخابات مجلس که مردم انتخاب می‌کنند، می‌توانند یک نفر را انتخاب کنند، بدون اینکه - به حضورتان که عرض کنم که - از طریق دولت باشد؟ و می‌توانند یک مجمع جهانی داشته باشند و بتوانند اعلامیه بدهند، بگویند ما وتو کردیم. حالا اگر تبعیت، آنها نکردند، آیا حق استیضاح، اینها در رسانه‌های جمعی دارند یا خیر؟ دعوت بکنند برای مناظره، یک طرفش نماینده دولت‌ها بیاید، یک طرف هم نماینده ملت‌ها بیاید.

آقای رضایی: مگر همین کار را الان نمی‌کنند از طریق سازمان‌های دولتی و سازمان‌های غیر دولتی؟

استاد حسینی: حالا سازمان‌های غیر دولتی را آمدند تکه تکه و تقطیع و بدون هیچ گونه - به اصطلاح - مرام‌نامه جهانی که بتوانند با هم متحد بشوند، این طرفش را آمده‌اند حمام زنانه‌ای درست کرده‌اند، مهمه؛ آن طرفش سازمان یافته. طبیعی است که آن طرف بر این طرف غالب است! اجازه ندادند یک حزب صنفی از محرومین عالم درست بشود، صرف نظر از اینکه برای چه دولتی است، از مثلاً کارگران، بعد بگویند قراردادهای مالی ای که امضا می‌کنند دولت‌ها با همدیگر، ما حق داریم مطالعه بکنیم این قرارداد را و حق داریم وتو بکنیم و حق داریم اعلام بکنیم که این قرارداد بر علیه منافع ما دارد، یا فلان دولت با فلان دولت امضاء می‌کند.

آقای رضایی: این سر قاعده‌مند نبودنش است؟

استاد حسینی: بله، احسنت!

آقای رضایی: اگر قاعده‌مند نبودنش این است که ما بخواهیم بگوییم که

سازمان ملل نمی‌خواهد؟ یا بگوییم نه،

استاد حسینی: ما می‌خواهیم بگوییم که شرایطی به وجود نیاموردند برای جامعه، که محرومین مجرد از دولت‌هایشان برای خودشان سازمان داشته باشند. یک سازمان جهانی کارگران داشته باشیم که وابسته به سازمان ملل هم نباشد، از طرف وزارت کار نرود، منتخب کارگران باشد. یکی منتخب زنان باشد. - مثلاً عرض می‌کنم - یکی منتخب فرضاً معلم‌ها و آموزشگرها و امثال ذلک باشد، یکی از طرف خود رسانه‌های جمعی باشد و اختیار داشته باشند مقابل دولت‌ها اینها اعلام نظر بکنند، تقاضای استیضاح بکنند. خوب عنایت کنید این حرفی را که می‌زنم! گاهی می‌گویید که دولت‌ها نماینده باشند و وتو کنند؛ یعنی یک وقت یک چیز به ضرر اقتصاد فرانسه هست، خب، قلم را بردارند وتو بکنند، اگر به ضرر انگلستان هست، وتو بکنند. این معنایش این است که کارگران فرانسه در امنیت هستند، به دلیل اینکه از یک نژاد و یک سرزمین خاص هستند؛ ولی کارگران افغانستان در امنیت نیستند. کارگران آن کشورهایی که این وتو به ضرر آنها واقع می‌شود، آنها در امنیت نیستند. زنان فرانسه و انگلستان از نظر امنیت سیاسی در امنیت هستند؛ چون اگر به آنها خلافی بشود، دولتشان وتو می‌کند، و لکن زنان بوسنی هرزگوین که حق وتو ندارند! امنیت برایشان نیست. این معنایش این است که امنیت را دقیقاً نژادی تعریف بکنند؛ یعنی حقوق بشر، منشور سازمان ملل، که مدعی هست رفع تبعیض نژادی، این دروغ است! این برای بشر نیست! برای بخشی از بشر بر علیه بخش دیگری از بشر است. ما در اهدافمان باید این را بتوانیم روشن کنیم که چگونه ملت‌ها از اقشار و اصناف مختلف، غیر از طریق دولت‌هایشان، خودشان حق حضور دارند در سطح بین-الملل، و چه گونه؟ این برای همه سطوح هم نیست و همه اصناف هم نیست، و حق محاکمه و مناظره و تحریک وجدان عمومی جهان را دارند. حق دارند در

برابرشان استیضاح بکنند دولت‌ها را، و حق دارند نماینده خودشان حتی اگر وتو کرد، مردم دیگر بیایند بگویند چرا این وتو کرد؟ به چه حقی؟ بر ضرر ما بود این وتوی شما و حق داشته باشند که سیاست خارجی آن کشور که وتو کرده، زیر سؤال ببرند، مردم جهان را به قضاوت ببرند؛ یعنی قدرت تفاهم سیاسی و فرهنگی و اقتصادی، یعنی فرهنگ جدیدی را در مدیریت عالم بیاورند که در این فرهنگ، مشارکت واقعاً بالا برود، موازنه تغییر بکند؛ یعنی معقولیت را بگیرند به اینکه همین که یک انتخابات واقع شد، و یک رئیس جمهور معین شد، و تلگراف‌ها رفته آنجا و به رسمیت شناختند، این دیگر تمام شد، و این دیگر سخنگوی آن جمع شد، تمام شد. مردم جهان بتوانند حداقل ناظر برای خودشان معرفی کنند، و ناظرشان حق داشته باشد که مناظره بکند.

آقای رضایی: در پله اول که دولت‌ها فعلاً به جزء آن پنج دولت، بقیه دولت‌ها که اجیر بقیه دولت‌های دیگر هستند، حالا غیر از خود مردم.

استاد حسینی: بله، حالا، یک اهدافی را پس ما داریم که آن اهداف اجازه افشاگری خاصی را می‌دهد، که برای مردم دنیا معلوم بشود که مظلومی که به آنها واقع می‌شود، یک مظلومی در توسعه قدرت هست، توسعه تفاهم هست، توسعه مقدرات هست. آن مظلوم، مظلوم اصلی است. بعد هم تغییر موازنه را رویش شعارش را بدهند، نیایند بگویند ظلم این است که زن‌ها حق ارثشان چقدر است، مردها چقدر؟ بعد هم بگویند سازمان ملل چه جای خوبی است برای طرفداری از حق! سازمان ملل بازی می‌دهد مردم را به وسیله این کار. این جامعه تحقیر شده‌ای که اموالش را دارند می‌برند، و فقط نوکرهای آن دستگاه‌های فاسد مال دارند که به بچه‌شان، به دخترشان، پسرشان ارث می‌رسد. کشورهای آفریقایی، نوعشان، اینها که اکثر مردمشان، ارثی به جا نمی‌گذارند، که به پسر بدهند، یا به دختر بدهند. سرزمین سنگاپور طلا دارد، الماس دارد، آفریقا که صادرات موز

دارد، اینها که به چه کسی می‌رسد؟ [...] اینها که کاری ندارند به ملت‌ها! اینها کار دارند به نوکرهای کمپانی‌ها اینها، بعد سمپات‌هایشان، بنایی که برای اینها کار می‌کند، تاجری که برای بنای اینها جنس می‌آورد، ولی می‌بینید نوع ملت، خروج موضوعی دارند از اینها، نوع ملت در مضیقه هستند. این اثری ندارد که! حقوق پیدا نمی‌کنند که در بعضی از کشورهای آفریقایی روزی چهارصد تا طفل از گرسنگی می‌میرد!

یک نفر نقل می‌کرد از یکی از کشورهای آفریقایی که من الان در خاطر من نیست که، اینکه کدام کشور هست. می‌گفت در آنجا خیلی‌هایشان هستند که عروسی که می‌کنند، زن حامله که می‌شود، این خرج اینکه خرج زن و بچه را بدهد، ندارد. تا زن حامله نشده، و مرتباً هم سعی می‌کند که حامله نشود، این زن، زن خودش هست؛ همین که زن حامله شد و نزدیک حمل شد، فرار می‌کند. زن بچه‌دار شد، مرد دیگری که به نسبت، تمکنش از این بیشتر است، می‌آید این زن را تحت سرپرستی قرار می‌دهد، و دیگر برای خودش حلال می‌داند آمیزش با او را، و این طفل، که به نان بخور و نمیر این مرد بزرگ می‌شود، به این مرد می‌گوید عمو. گاه تا بزرگ می‌شود، هفت، هشت، ده سال پدر را نمی‌بیند، بعد هم که پدر اگر به مالی رسید، آمد، از این مرد باید تشکر هم بکند، هر چند چند تا بچه هم از این مرد گیرش آمده باشد. آن وقت زن ملحق می‌شود به شوهر اولش. یک فقره‌ایی که برای ما، عرض کردم، روزی چهارصد تا طفل از گرسنگی مردن، این حرف ساده‌ای نیست! از گرسنگی، نه بیماری، چون نان ندارند، می‌میرند، نه اینکه چون بیمارند. همانجا سرزمین الماس است، سرزمین طلا است. حالا این سرزمین طلا از اول دنیا این گونه فقیر بودند؟ ابداً! اینها ثروتمند بودند، کمپانی‌ها آمدند چیز کردند، انحصارات معادن اینها را گرفتند، مثل انحصار نفت، بعد حق کشت و امثال ذلک را هم از دولت‌ها سلب کردند. برای

اینکه این جمعیت مقتدر و با سواد نشود، یک روز بیاید این معدن‌ها را تصرف کند. باید برود این جمع‌آوری بکند الماس، در روز صد گرم مثلاً، اضافه اگر باشد، جلوی سیم خاردار، جلویش را می‌گیرند، وقتی می‌خواهد برود بیرون، یک نان بخور و نمیری به او می‌دهند. اگر چیزی اضافه شد، باید بریزد داخل آتش و الماس‌ها آتش بگیرد. یک حبه به اندازه ماش و نخود هم محال است بگذارند این برد همراه خودش. می‌گویند کل منابع این معدن برای فلان شرکت خارجی است که آمده امتیازش را گرفته. هکذا بخشی که طلا استخراج می‌کند، لذا اینها به یک سطحی که وزن سنگ معدنی رسید که جمع کردند، دیگر بیشتر جمع نمی‌کنند، می‌آورند پهلوی آن طرفی که وزنه دارد، می‌گویند بکش، ببینیم این شده به آن اندازه‌ای که باید ما امروز تحویل بدهیم برویم؟ یا نشده؟ یا نوع سنگی را که جمع کردیم، آیا مرغوبیتش همان گونه هست که شما می‌خواهید یا برگردیم؟ به هر حال، بگذریم از این نکته. کلاً فقر را تحمیل می‌کنند به گونه‌های مختلف، در مقدمات اقتصادی، در تفاهم فرهنگی، و در امنیت سیاسی. ما موضوعاتی را که باید صحبت کنیم، مسئله افشاگری این موضوعات است. مبارزه با این مظالم را باید ما اعلام بکنیم و ابزارهای موازنه را در تغییرش ذکر کنیم، موضوعات متناسب با آن را بیان کنیم؛ یعنی مبارزه با استکبار و ظلم باید اولین سرخط فعالیت زنان پیرو اهل بیت باشد.

«والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: سیاستهای اصولی در تنظیم سند زنان مسلمان جهان	
شماره جلسه: ۲	کد پژوهش: ۲۳۹
تاریخ جلسه: ۱۳۷۴/۰۷/۱۱	کد جلسه: ۲۵۳۱
مدت جلسه: ۳۳ دقیقه	کد صوت: ۳۷۳۳
تعداد کلمات: ۴۰۶۶	تعداد جلسات: ۳

شناسنامه تدوین

نامشخص	پیاده:
نامشخص	تایپ:
خانم ف. فداکار	تطبیق:
نامشخص	تصحیح (۱):
حسن سبحانی مجد	کنترل نهایی:
حسین ناصری	تصحیح (۲):
خانم ز. کریمی	مقابله:
حسن ناصری	تصحیح (۳):
حسن ناصری	صفحه آرایی:

جلسه دوم

استاد حسینی: بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين انه خير ناصر و معين و صلى الله على سيدنا و نبينا ابا القاسم محمد - اللهم صل على محمد و آل محمد - و على اهل بيته المعصومين المنتجبين و اللعن على اعدائهم اعداء الله من الآن إلى يوم الدين.

مفروض این است که یک سازمانی درست شده، که این سازمان می‌خواهد تحول در وضعیت زن ایجاد کند، و زنان مسلمان جهان را در یک ساختار اجتماعی، فعالیت‌هایشان را هماهنگ کند، و بستری را بسازد که سازمان‌های «سیاسی، فرهنگی، اقتصادی»، در آن بستر بتوانند حرکت و رشد بکنند. در حقیقت، بستر تحول می‌خواهد درست کند. زمینه‌سازی در مقیاس جهانی، برای تحول می‌خواهد درست کند.

خیلی خُب، مقصد اصلی‌اش هم این است که زنان بتوانند قدرتشان را در اختیار نظام ولایت الهی قرار بدهند، در توسعه نظام ولایت الهی. خُب حالا، خود آن سازمان را که یک بحث دیگری است، باید درباره‌اش صحبت کنیم که چه

گونه باید کار کند.

آقای رضایی: ساختارسازی معین شود.

استاد حسینی: احسنت! نه. نحوه گردش عملیات هم در آن ساختار، آن را هم که نمی‌خواهیم پردازیم. ولی یک برنامه‌ای دارد، که آن برنامه‌اش، ایجاد زمینه مشارکت برای تولید این بستر تحول است. حالا برنامه چه چیزی‌هایی می‌خواهد؟ برنامه حتماً هدف می‌خواهد. هدفمان را باید معین کنیم در کلی‌ترین شکل. بعد باید موضوعاتی داشته باشیم، و ابزاری که بتواند هماهنگ بکند موضوعات را به طرف هدف. هر چند این برنامه ما در کلی‌ترین شکل است؛ یعنی به معنای برنامه کیفی و کمی و الگوی تخصیص نیست در هزینه کردن، بلکه می‌خواهد یک برنامه بدهد به صورت یک بستر تحول، که مشارکت کنند مسلمین در ایجادش، در آن فضایی را که برایشان تعریف شده هست، فرضاً سی کشور، شاید هر کشوری ده تا سازمان درست کنند.

آقای رضایی: بله.

استاد حسینی: سازمان‌های فرهنگی درست کنند، سازمان‌های سیاسی درست کنند، سازمان‌های اقتصادی درست کنند، متناسب با فضایی که آن کشور اجازه حرکت می‌دهد. ممکن است مثلاً در کشورهای اروپایی، فضای فعالیت‌های سیاسی خیلی باز باشد، در کشورهای آفریقایی فضای فعالیت سیاسی باز نباشد، فعالیت فرهنگی فضایش باز باشد. در یک کشورهایی ممکن است فضای فعالیت اقتصادی باز باشد. بستری را که شما با مشارکت عموم درست می‌کنید، به این هدف است که، با تنوع وضعیتی که در مناطق‌تان دارند، اول مشارکت داشته باشند در ایجادش، در این مشارکت، یک تحقیق عملی انجام می‌گیرد، که به چه نسبت، حضورشان بدون مشکل انجام می‌تواند بگیرد، هر جا.

آقای رضایی: منظورتان چیست از تحقیق عملی؟ خودشان هم، ...

استاد حسینی: نه، نه. یعنی حضورشان به عنوان محقق شدن یک مطلبی،

آقای رضایی: بله، خودش به عنوان موضوع، ...

استاد حسینی: خیر، به عنوان خودش برای ما،

آقای رضایی: یعنی موضوع تحقیق قرار بگیرد.

استاد حسینی: یعنی، یعنی، یعنی یک تحقیق، بالاتر از حتی تحقیق است. یعنی

یک تجربه عینی هست، از اینکه هر کدام در چه سطح، انگیزش پذیری دارند. در

چه سطح، شرایط به آنها اجازه می‌دهد. در چه سطح، کارایی دارند. انگیزه‌اش را

دارند، شرایط هم دارند، کارایی‌شان چقدر است. که این به جای خودش برای

خود سازمان مغتنم است؛ یعنی برای خود مجمع - معذرت می‌خواهم - مجمع

زنان مغتنم است. یک مطلب پس بنابراین ما داریم، که تقسیمات برنامه در کلی-

ترین سطح چه چیزی هست، که نمی‌توانیم دیگر از آنجا حذفش کنیم. مجبور

هستید بگویید هدف داشته باشد، موضوعات داشته باشد، رابطه بین موضوعات و

هدف.

آقای رضایی: بله.

استاد حسینی: این قبل از این است که تولید برنامه بشود، برنامه عملیات

اجرائی، ها!

آقای رضایی: بله.

استاد حسینی: یعنی هیچ برنامه‌ای بدون هدف ممکن نیست، بدون وسایل

انتقال در کلی‌ترین شکل، ممکن نیست، بدون موضوعات هم ممکن نیست. پس

ما صحیح است بگوییم «هدف، ابزار و موضوعات»، در عام‌ترین سطح برنامه قرار

دارند. حالا تقسیمات مان با نظام شبکه‌ای مان چه ربطی دارد؟ حتماً وضعیت

مطلوب را شما به نحوه‌ای آورده‌اید در هدف، مقدرتان، موضوعاتتان را آورده‌اید

و ابزارهای انتقال را به نحوه‌ای آوردید؛ یعنی ما اگر بخواهیم بگوییم «توسعه،

ساختار، کارآیی» در عام‌ترین شکلش اگر بخواهد بیاید،
آقای رضایی: بله.

استاد حسینی: چه گونه می‌آید؟

آقای رضایی: در هدف یا در،

استاد حسینی: یعنی هدف، نه، این بعداً بخواهد ریز که بشود، در خودش
مرتباً باید ضرب شود،

آقای رضایی: بله. در خودش.

استاد حسینی: و لکن ابتدائاً صحیح است بگوییم که، هدف را که می‌گویید،
معنایش توجه به «اوصاف توسعه» هست. ابزارها، توجه به «اوصاف ساختاری»
است. کارآیی، توجه به «اوصاف موضوعات» است؛ ولی نه در شکل مدلمند شده،
در کلی‌ترین سطح؛ یعنی اجمالی‌ترین سطح، مثل اینکه ما قبل از اینکه بخواهیم
بگوییم «ظرفیت، جهت، عاملیت»، اوصاف توسعه، بگوییم خود هر مجموعه‌ای
توسعه‌پذیر باید باشد. فاعلیت بدون توسعه نمی‌شود، فاعلیت بدون نظام نمی-
شود، بدون روابط نمی‌شود، فاعلیت بدون کارآیی نمی‌شود. این در آن سطح
است. البته بعدش طبیعتاً باید ما این را ببریم در بحث‌های موضوعات، و در
بحث شبکه و طبقه‌بندی و این حرف‌ها، باید مرتباً مشخص کنیم، ریزترش بکنیم،
هر کدام از اینها را در طی دو سال، ریز ریز بکنیم کارشان را. الآن فعلاً
موضوعاتمان را ما می‌خواهیم بگوییم در اینجا. موضوعاتی را که بخواهیم
بگوییم، می‌توانیم «سیاست، فرهنگ، اقتصاد» را،

آقای رضایی: در سه سطح،

استاد حسینی: در سه سطح بگوییم. بعد، موضوعی را که طرح می‌کنیم، بگوییم
علل محرومیت سیاسی، آسیب‌شناسی علل محرومیت سیاسی در توسعه قدرت
سیاسی، آسیب‌شناسی و علل محرومیت فرهنگی و عدم مشارکت زنان در توسعه

فرهنگی، علل و آسیب‌شناسی محرومیت زنان در توسعه اقتصادی، در مشارکت در توسعه اقتصادی؛ سطح اولی را که ما می‌خواهیم بگوییم، علت می‌توانیم بگوییم، می‌توانیم یک گونه‌ای هم بگوییم، از این بهتر باشد، بگوییم «ارزیابی حضور مشارکت زنان، وضعیت حضور در مشارکت». نتیجه منفی را بعد از بحث به دست بیاوریم.

آقای رضایی: یعنی بعد از ارزیابی.

استاد حسینی: بله، احسنت!

آقای رضایی: بعد از آسیب‌شناسی.

استاد حسینی: بله احسنت!

آقای رضایی: زود قضاوت نکنیم.

استاد حسینی: اصلاً آسیب‌شناسی هم نگوییم، بگوییم ارزیابی.

آقای رضایی: ارزیابی حضور مشارکت زنان در سه سطح.

استاد حسینی: در توسعه سیاست، توسعه قدرت. اگر برنامه‌مان را همه‌اش با

لقب ارزیابی بیاوریم،

آقای رضایی: بله.

استاد حسینی: در موازنه هم که می‌آوریم، بگوییم ارزیابی سهم تأثیر در موازنه

«سیاسی، فرهنگی، اقتصادی». در اصول می‌رسیم، حالا بگوییم «ارزیابی سهم زنان

در الگوی تخصیص مقدرات سیاسی، مقدرات فرهنگی، مقدرات اقتصادی».

آقای رضایی: [؟]

استاد حسینی: حالا «مقدرات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی» را بیاییم توضیح

بدهیم و بعد این سه تا را یک مقدار کمی بازترش کنیم که بخواهیم اصول به

دست بیاوریم، موضوعات را در قسمت سوم.

آقای رضایی: بعد این سه تا، یک دو تا در بخش موازنه داشتیم. یک سه تا در

۱۰ سیاستهای اصولی در تنظیم سند زنان مسلمان جهان

بخش اصول داشتیم. یک سه تا هم در بخش اهداف،

استاد حسینی: اهداف. اهداف را اول نوشتید.

آقای رضایی: بله، اهداف را نوشتیم.

استاد حسینی: در توسعه. آخرین سطح را بخواهیم توسعه‌اش بدهیم، نمی-

خواهیم به سه تا بگذاریم.

آقای رضایی: این بیان موضوعات در کدام یکی از این سه تا موضوعات؟ در

هر سه تا می‌تواند باشد.

استاد حسینی: بله احسنت! می‌خواهیم بگوییم موضوعات را اصلاً در سه سطح

باید بررسی بکنند.

آقای رضایی: هم در اهداف، هم در موازنه، هم در اصول.

استاد حسینی: بله احسنت! بگوییم آیا زن‌ها واقعاً مشارکت دارند در توسعه

قدرت جهان؟ مشارکت دارند در توسعه موازنه؟ چقدر، چه سهمی دارند در

موازنه؟ چه سهمی دارند در موضوعات؟ موضوعاتی را که می‌آوریم، حالا مسأله

موضوعاتی که می‌آوریم، آیا در تنظیم الگوی تخصیص، چه سهم مستقیمی را

دارند در تنظیم سیاست؟ یعنی به عبارت دیگر، در الگوی تصمیم‌گیری و تصمیم-

سازی، تصمیم‌سازی اول، بعد تصمیم‌گیری،

آقای رضایی: بله [؟]

استاد حسینی: به عنوان زن، میزان سهم حضور زن‌ها چقدر است؟

آقای رضایی: تصمیم‌گیری ...

استاد حسینی: یعنی تخصیص وقتی می‌خواهد پیدا بکند، برنامه‌ای دارند،

آقای رضایی: درست است.

استاد حسینی: این برنامه به صورت یک تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری پیدا می-

شود.

آقای رضایی: درست است.

استاد حسینی: زن‌ها در خود این ابزارهایی که به وجود می‌آید، تولید برنامه می‌کند، چقدر حضور دارند؟ یعنی به عبارت دیگر، منفعت زن یا منفعت کارگر، در تعیین الگوی تخصیص چقدر حضور دارد؟ هر الگویی یک نحو روشی را به وجود می‌آورد برای تخصیص. الگویی که برنامه‌ساز است، در آن زن آنجا حضور دارد یا ندارد؟ چه درباره قدرت، چه درباره اطلاع، چه درباره ثروت. موضوعاتی که قرار می‌گیرد در آنجا، در آن موضوعات، یک نظام درست شده در الگوی تخصیص، که آن نظام چه هست؟ حالا آیا وضعیت آن موضوعات چگونه هست؟ موضوعاتی که زن را در منزلتی کالایی قرار می‌دهد، در جامعه چه گونه هست؟ موضوعاتی که زن را در منزلت تصمیم‌گیری قرار می‌دهد، چه گونه هست؟ یعنی نقش زن در «تولید، توزیع، مصرف»، چگونه هست؟ و برای ارتقای چه چیزی کار می‌کنند؟

دیگر می‌توانید رابطه موضوعات را حتماً با توسعه و موازنه ملاحظه کنید، ببینید آیا واقعاً آیا تخصیص امکانات و مقادورات اجتماعی به زنان، چگونه، با چه مکانیسمی واگذار می‌شود؟ اینها به ذهن من می‌آید که سرنخ‌هایی است که شما رویش یک مقدار کار کنید، خیلی زود می‌رسید به آن

آقای رضایی: - ان شاء الله - این موضوعاتی که به هر صورت،

استاد حسینی: مثلاً عرض می‌کنم. یک وقت می‌گویید زن‌ها مصرف‌کننده لوازم

آرایش هستند،

آقای رضایی: بله.

استاد حسینی: مصرف‌کننده لوازم پخت مواد غذایی به صورت خصوصی

هستند، مصرف‌کننده لوازم تنظیم خانه و بهینه کردن وضعیتش از نظر دکوراسیون

هستند، زن را با اینها معرفی می‌کنید. یک وقتی می‌گویید که خیر، زنان ارتباط

دارند با هم در مقیاس جهانی، مصرف‌کننده وسایل ارتباط یک شبکه و بانک اطلاعات هستند. تولیدکننده اطلاعات متناسب با رفع نیازمندی‌های قشر خودشان هستند. سفارشات تولیدی اینها، منشأ شده که فلان دسته از صنایع به وجود بیاید. می‌گویید حضور اجتماعی زنان برای حمایت از ولایت فقیه، به عنوان زن بودن، یک امکانات خاصی را به خودش تخصیص داده که اگر اینها؛ - مثلاً عرض می‌کنم - سؤال می‌کنند حالا از این جهت چه فرقی دارد زن و مرد؟ شما می‌گویید که اینها ارتباطات اجتماعی‌شان، هر گونه محدودیتی را که برایشان ایجاد بکند، برای ارتباط نیازمند هستند به یک روابطی که بتواند با حفظ آن قیدها، با حفظ آن محدودیت‌ها، ارتباطشان را محدود نکند، ارتباط را توسعه بدهد. - ملاحظه فرمودید چه عرض می‌کنم؟! -

آقای رضایی: بله.

استاد حسینی: غرض از نظام موازنه، نظامی است که امکان می‌دهد که برنامه اصلاً تولید بشود.

آقای رضایی: حالا ما فعلاً با این کاری نداریم.

استاد حسینی: در نظام موازنه چرا، یک مقدراتی؛ سؤال این است که، مقدراتی که متناسب با کسی که حضور در تصمیم‌گیری کل پیدا می‌کند، یعنی در توسعه،

آقای رضایی: بله.

استاد حسینی: یک مقدرات خاصی هست، که موضوعات متناسب با آن، موضوعات متناسب با مقدراتی را که برای تغییر نظام موازنه هم، یعنی در الگوی تخصیصی که شما دارید، اولویت‌بندی‌ای که می‌کنید برای موضوعات داخلی، حتماً نظر به توسعه دارید. نظر به موازنه هم دارید، نظر به تخصیص هم دارید؛ یعنی به عبارت دیگر، نظر دارید به برنامه، نظر دارید به سازمان، نظر دارید

به تکامل.

آقای رضایی: بله. درست است. حالا ما ...

استاد حسینی: برنامه تان در آخرین سطح است.

آقای رضایی: در آخرین سطحی که، ...

استاد حسینی: رابطه بین مقدمات و انسان را معین می کند.

آقای رضایی: درست است.

استاد حسینی: پائینی موضوعاتان، موضوعات یک طرفش انسانها هستند، یک

طرفش مقدمات است.

آقای رضایی: مقدمات است.

استاد حسینی: رابطه بین اینها را، موضوع شما، الگوهای است که تقسیم می-

کند این مقدمات را به این افراد. ولی قبلش در نظام موازنه دستور می دهد که

چه گونه تصمیم بگیرید، در موازنه قدرت.

آقای رضایی: موازنه قدرت.

استاد حسینی: قبل از موازنه قدرت، تکامل، هر تعریفی که از کمال دارید، می-

گوید چه گونه تنظیم بکنید موازنه را.

آقای رضایی: درست است! بعد الآن در دسته بندی خود موضوعات هم، ما در

سه سطح باز هم دارای موضوعاتی هستیم. موضوعاتی که در رابطه با تکامل

تعیین می شوند.

استاد حسینی: بله احسنت! همین طور است. موضوعات همه اش این گونه

است که موضوعات، یک - به اصطلاح - برنامه کلاً، نمی تواند نظر به تکامل

نداشته باشد، یا نظر به موازنه نداشته باشد، و صرفاً رابطه بین انسان و مقدمات

را نظر کند.

آقای رضایی: بله.

استاد حسینی: انسان و مقدرات در چه مکانیزمی؟

آقای رضایی: درست است.

استاد حسینی: یعنی در چه موازنه‌ای؟ آن موازنه باید جواب بدهد، بگوید برای

چه هدفی.

آقای رضایی: پس ما الآن دوباره اگر خود تأیید موضوع باز هم در سه سطح

باید انجام بشود، همان موضوعاتی، یعنی اصل موضوعات در رابطه با هدف

باید تعیین کند، باید شناسایی کند،

استاد حسینی: بله، احسنت.

آقای رضایی: آن هم با آن سه تا ساختاری که باز در بحث «فرهنگی، سیاسی،

اقتصادی» بود.

استاد حسینی: درست است.

آقای رضایی: یعنی چه موضوعاتی؟

استاد حسینی: فرض کنید، - من باب مثل عرض می‌کنم - شما می‌گویید که

سفارشات در تولید قدرت، در تولید اطلاع، در تولید ثروت، چه کسانی سفارش

می‌دهند؟ حرف چه کسی برنده است؟ می‌گویید که چه کسی است که

سفارشاتش منشأ این می‌شود که محدث حادثه بشود در امور اقتصادی، یا

فرهنگی، یا سیاسی؟

آقای رضایی: ما الآن مگر چنین موضوعاتی حاج آقا می‌خواهیم؟! ها الآن

دنبال موضوعاتی هستیم که بتواند آن مشارکت را برای زنان ایجاد کند.

استاد حسینی: بله احسنت! ما اگر این مشارکت را برایمان ابهام داشته باشد و

ندانیم که چه چیزی را می‌خواهند زن‌ها؟

آقای رضایی: خُب، همان. چه هدفی را دارند؟

استاد حسینی: بله. احسنت!

آقای رضایی: خُب، من می‌گویم این که نقضی‌اش را ما الآن نمی‌خواهیم وارد بشویم،

استاد حسینی: نه خیر. خیر،

آقای رضایی: که بگوییم موازنه الآن، موضوعاتی که الآن سفارش دادیم را فرض بکن در نظام سرمایه‌داری، آن قطب، قشر سرمایه‌دار است که دارد این سفارشات را ایجاد می‌کند.

استاد حسینی: درست است!

آقای رضایی: ما الآن نمی‌خواهیم وارد آن بشویم.

استاد حسینی: بله، بله.

آقای رضایی: ما الآن دنبال آن مطلوب خودمان هستیم.

استاد حسینی: درست است.

آقای رضایی: یعنی در این سطح، می‌خواهیم موضوعاتی را که در سطح مطلوب، مدّ نظر ما هست، آنها را پیدا بکنیم در رابطه با هدف.

استاد حسینی: می‌خواهیم اهداف را، به دست بیاوریم. با مشارکت خود آنها، اهداف را پیدا کنیم.

آقای رضایی: اهداف را به دست بیاوریم.

استاد حسینی: و خودمان هم بعداً راهنمایی‌شان کنیم که هدف را این گونه به دست بیاورید.

آقای رضایی: بله، بعد این سطح از موضوعاتی که در هدف هست، بعد باید یک موضوعاتی را که در رابطه با تغییر موازنه هست،

استاد حسینی: آنها را پیدا کنیم.

آقای رضایی: آنها را معرفی کنیم. بعد موضوعاتی را که در رابطه با همان

اصول هماهنگی فعالیت‌ها،

استاد حسینی: یعنی به عبارت دیگر، الگوی برنامه است.

آقای رضایی: الگوی برنامه است.

استاد حسینی: بله احسنت!

آقای رضایی: موضوعاتی که در، ...

استاد حسینی: یعنی ما باید بتوانیم بگوییم که آیا سؤال‌هایی را که ما می‌کنیم از وضعیت زن، باید سؤال‌هایی از یک موجودی به یک معنا تحقیر شده باید باشد؟ یا یک کسی که می‌تواند بیاید پشت سر ولی فقیه بایستد؟

آقای رضایی: اینجا باز هم ما دوباره توجه به مطلوب داریم، دوباره نمی‌خواهیم نفی‌ای برخورد بکنیم؛ یعنی دیگر ...

استاد حسینی: خیر.

آقای رضایی: به یک نوع دیگر، یعنی بعد اثباتی‌اش را می‌خواهیم ببینیم.

استاد حسینی: بله.

آقای رضایی: می‌گوییم این موضوعات می‌تواند تأمین بکند که اینها بیایند

پشت سر

استاد حسینی: بله. احسنت!

آقای رضایی: ولی فقیه قرار بگیرند، در سطح الگوی برنامه.

استاد حسینی: احسنت!

آقای رضایی: الگوی برنامه. بعد این با توجه به این مطلب، دوباره ۳ تا ۳ می‌-

شود، ۹ تا،

استاد حسینی: درست است.

آقای رضایی: ۹ تا. بعد در هر کدام از موضوعات خودش، دوباره تقسیمات

بعدی لازم دارد یا ندارد؟ یعنی بر اساس آن ما برویم موضوعات را پیدا کنیم.

استاد حسینی: ما اگر بتوانیم دیگر برای ۲۷ تا موضوع برای فعلاً ابتدائش پیدا

کنیم، کافی است.

آقای رضایی: پیدا بکنیم، کافی است.

استاد حسینی: بله.

آقای رضایی: - ان شاء الله! - پس فقط ما دیگر،

استاد حسینی: شما حتی من به نظرم می آید عنوان هایی را مشخص بکنید،

آقای رضایی: موضوعات؟

استاد حسینی: نه، عناوین کلی که بعد زیرش ریز موضوعات را بنویسید.

آقای رضایی: یعنی در جدول، ما ردیف می کنیم که ۲۷ تا است؟

استاد حسینی: بله احسنت!

آقای رضایی: اشکال ندارد. در بخش هدف، ابزار و موضوعات.

استاد حسینی: آن وقت، صبح پنجشنبه هم من اینجا هستم، صبحگاه.

آقای رضایی: صبح؟

استاد حسینی: بله. صبح یک ساعت با آقای دیندار هستیم. بعد یک ساعت، قبل

از آقای امیری مقدم، یک بیست دقیقه ای با شما هستیم؛

آقای رضایی: [؟]

استاد حسینی: ولی تا آن موقع شما نگذارید مطلب را، شما تایپش هم کرده

باشید،

آقای رضایی: بعد حاج آقا، بحث این است که موضوعات را هم ما می خواهیم

ردیف بکنیم در این سطح ۲۷ تا، ...

استاد حسینی: شما در سطح ۹ تا عنوان را درست کنید، که آنها عناوین کلی

باشند که زیرش موضوعات هم معین بشوند.

آقای رضایی: موضوعات، یعنی جا خالی باشد برای موضوعات.

استاد حسینی: بله احسنت!

آقای رضایی: اشکال ندارد. این را - ان شاء الله -

استاد حسینی: البته من به نظرم می‌آید تنظیم یک سند هم، بیش از این حرف‌ها وقت می‌برد!

آقای رضایی: یعنی آن چیزی که این، این سطحی که، من در ذهنم چیز دیگری بود. قبل از اینکه امروز [؟] حضرت عالی من به ذهنم آمد همین سندی که می‌خواهد برود یک ماه دیگر می‌خواهند تنظیم بکنند، محورهای کلی را می‌خواهد برای تنظیم همین سند ها.

استاد حسینی: شما محورهای کلی همین را، شما تنظیم بکنید، که تا یک ماه دیگر می‌خواهد برود، ولی یک ماه دیگر می‌خواهد برود همراه اعلام موجودیت که دو سال بعد بیایند رویش،

آقای رضایی: بر اساس این،

استاد حسینی: کار کنند.

آقای رضایی: کار کنند.

استاد حسینی: بله.

آقای رضایی: بله،

استاد حسینی: بله، در این دو سال هم، در خلال این دو سال هم، جا باید داشته باشد برای این که مرتباً راهنمایی بشوند.

آقای رضایی: بله. بعد یک سؤال دیگر خواستم، در این سه سطح، شما تقسیماتی که می‌فرمایید، یک جاهایی با هم مشترک هستند در موضوعات «سیاسی، فرهنگی، اقتصادی» فرمودید،

استاد حسینی: بله احسنت!

آقای رضایی: در هدف هم دوباره «سیاسی، فرهنگی، اقتصادی» گفتید.

استاد حسینی: در، در هر سه تایش؛

آقای رضایی: در هر سه تایش ...

استاد حسینی: در هر سه تایش، یعنی «فرهنگی، سیاسی، اقتصادی»، ضرب می‌شود در - به اصطلاح - توسعه، موازنه، - به حضورتان که عرض کنم که - موضوعات؛ موضوعاتی که ما داریم، یعنی تخصیص، مقدمات.

آقای رضایی: در توسعه،

استاد حسینی: بله.

آقای رضایی: موازنه و

استاد حسینی: مقدمات،

آقای رضایی: مقدمات.

استاد حسینی: مقدمات.

آقای رضایی: حاج آقا! چرا در سه سطح توسعه، خرد، کلان ضرب نمی‌شود؟

استاد حسینی: خُب، آنها را بعد، بعدش دوباره ضرب بکنید.

آقای رضایی: یعنی در تقسیمات بعدی‌اش است.

آقای رضایی: بله. بله. أحسنت! یعنی باید، یعنی باید بگوییم که حالا

موضوعاتی را که ما داریم، یک موضوعاتی، موضوعات خرد هست، نسبت به یک موضوعاتی که موضوعات کلان هست.

آقای رضایی: اینجا آن موقع خود توسعه چطوری است؟

استاد حسینی: توسعه درباره امور خرد، مثلاً می‌گوییم،

آقای رضایی: نه، اینجا «توسعه، موازنه، مقدمات» می‌گوییم. اینجا می‌گوییم

«خرد، کلان، توسعه»،

استاد حسینی: بله.

آقای رضایی: اینجا در سطح توسعه با سطح موازنه و مقدمات، این تقسیم-

بندی ظاهراً مثل اینکه، ...

استاد حسینی: حالا این را - ان شاء الله تعالی - در خدمتان هستیم. شما اگر به برنامه بخواهید نگاه بکنید،

آقای رضایی: بله.

استاد حسینی: که برنامه آنجایی که می‌آید تخصیص می‌دهد،

آقای رضایی: درست است!

استاد حسینی: مقدرات را تخصیص می‌دهد به آدم‌ها.

آقای رضایی: درست است!

استاد حسینی: به صورت خیلی کلی.

آقای رضایی: بله.

استاد حسینی: این را بر چه اساسی انجام می‌دهد؟ بر اساس آن چیزی را که نامش را می‌گذارید کلان، که اینجا می‌گوییم تغییر موازنه. آن چیزهایی را که تخصیص می‌دهد، چه چیزهایی هستند؟ آن چیزهایی که تخصیص می‌دهد، آن موضوعاتی را که تخصیص می‌دهد، چیزهایی است که باید خط بدهد به خرد؛ یعنی - مثلاً عرض می‌کنم -، می‌گوییم این قدر تومان به کشاورزی، این در نظام موازنه که نگاهش کنید،

آقای رضایی: درست است.

استاد حسینی: مفهوم کلان را می‌دهد. نظر به خرد که بکنید، می‌گویید برنامه دولت، کشاورزان را غنی کرد، یا کشاورزان را مثلاً فقیر کرد.

آقای رضایی: درست است! این بعد در هر سه سطحش «توسعه، موازنه،

مقدرات»، ...

استاد حسینی: یعنی خرد، کلان، به عبارت دیگر «خرد، کلان، توسعه» که می‌-

تواند همیشه صفت برنامه باشد، بگوید برنامه مدیریت خرد،

آقای رضایی: بله، درست است.

استاد حسینی: برنامه مدیریت کلان، برنامه مدیریت توسعه.

آقای رضایی: درست است!

استاد حسینی: این شد صفت برنامه. سه سطح از برنامه را ذکر می‌کند.

آقای رضایی: درست است!

استاد حسینی: برنامه مدیر یک کارخانه، یا مدیریت یک اداره، یا مدیر یک، چه

نوع برنامه‌ای است؟ می‌گویید برنامه خرد است.

آقای رضایی: اینجا خود توسعه را صفت برای، الآن، در پله بعد خیر، همین

الآن که می‌خواهیم در «سیاست، فرهنگ، اقتصاد»، ضرب کنیم، ...

استاد حسینی: بستر می‌خواهد بسازید.

آقای رضایی: خوب.

استاد حسینی: بستر که می‌خواهید بسازید، که بعداً هدایت بکنید دیگران را،

آقای رضایی: درست است.

استاد حسینی: که اهداف برای توسعه [؟]

آقای رضایی: الآن در مضاف و مضاف الیه که قرار می‌گیرد، ضرب که می‌-

کنیم، می‌خواهم بدانم کدامش اصلی‌تر است؟ «فرهنگ، سیاست، اقتصاد» است؟

یا توسعه، موازنه و مقدورات؟

استاد حسینی: نه، حتماً باید شما «توسعه، موازنه، مقدورات».

آقای رضایی: یعنی توسعه در سه سطح «فرهنگ، سیاست، اقتصاد» داریم.

توسعه اقتصاد، توسعه سیاست،

استاد حسینی: یعنی به عبارت دیگر، حالا شما بیایید برگردید همین را، بگویید

کل این توسعه و درون توسعه، موازنه‌اش،

آقای رضایی: درست است.

استاد حسینی: و درون موازنه، مقدوراتش، هر سه تا با همدیگر نمی‌شود برنامه

توسعه؟

آقای رضایی: درست است.

استاد حسینی: چون دیگر اصلاً برنامه خرد و کلان به آن معنای چیز نداریم.

آقای رضایی: نداریم.

استاد حسینی: برنامه تحول اجتماعی زنان را دارید؛ یعنی برنامه توسعه دارید. در درون توسعه، حتماً موازنه وجود دارد. در درون موازنه، حتماً مقدورات وجود دارد. مقدورات را صحبت که از آن می‌کنیم، هرگز به صورت خرد به مفهوم برنامه‌ریزی خرد که نظری به آن نداریم.

آقای رضایی: نظر به آن نداریم.

استاد حسینی: یعنی زن‌ها نمی‌آیند بگویند که حالا بافندگی بهتر است یا - مثلاً عرض می‌کنم - شالیزار به فرض.

آقای رضایی: درست است.

استاد حسینی: در حقیقت، کلش روی هم، می‌شود برنامه توسعه؛ توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی، توسعه اقتصادی؛ تحول سیاسی، تحول فرهنگی، تحول اقتصادی.

آقای رضایی: در بخش موازنه، درست است.

استاد حسینی: یعنی در کل سه بخش. سه بخش منحل هستند در توسعه.

آقای رضایی: درست است.

استاد حسینی: یعنی تشریح تحول و توسعه هست، نه اینکه خرد کردن، آمدن از سطح توسعه به سطح کلان

آقای رضایی: [؟] [...]

استاد حسینی: می‌توانیم در درونش مرتباً خرد بکنیم، بدون اینکه بیاییم در سطح کلان و در سطح خرد. برنامه‌ای که داریم، برنامه چه چیزی هست؟ با

هدف چه چیزی هست، این سازمان کار می‌کند؟ با هدف تحول «سیاسی، فرهنگی، اقتصادی».

آقای رضایی: درست است. در بخش، اگر این غیر تحول که در سه تا، سه تا بخش هست حاج آقا.

استاد حسینی: تحول خرد که ندارید شما.

آقای رضایی: تحول خرد نداریم.

استاد حسینی: پس بنابراین مقدمات در اینجا، مفهوم خرد، دیگر نمی‌دهد.

موازنه هم در اینجا، روابط مولد، یعنی ساختار توسعه را نشان می‌دهد،

آقای رضایی: [؟]

استاد حسینی: نه ساختاری که روبروی - به اصطلاح - ؛ یعنی به عبارت دیگر

هیچ کدام از اینها قسیم هم نیستند.

آقای رضایی: درست است. اگر قسیم هم نباشند، بعد آن موقع این سه تا، سه

تا هدف و سه تا موازنه و سه تا همین اصول هماهنگی فعالیت‌ها،

استاد حسینی: روی هم می‌دهند برنامه توسعه را.

آقای رضایی: برنامه توسعه را تشکیل می‌دهند.

استاد حسینی: دیگر برنامه کلان را نمی‌دهند. برنامه خرد را هم نمی‌دهند.

آقای رضایی: خرد را نمی‌دهند. هر سه بخش هم، قیدش تحول است؛ یعنی

اینجا هم باز هم می‌گوییم،

استاد حسینی: تحول در موازنه،

آقای رضایی: موازنه، تحول در ...

استاد حسینی: تحول در تخصیص.

آقای رضایی: بخش آخر، اصول هماهنگی همان تخصیص است. درست

است. تحول در تخصیص می‌شود. این هر سه تایش هم قید «فرهنگی، سیاسی،

اقتصادی» دارد.

استاد حسینی: بله احسنت!

آقای رضایی: خب بعد، این موضوعات هر کدامش هم قطعاً باید،

استاد حسینی: باید در سطح - به اصطلاح - توسعه باشد.

آقای رضایی: توسعه باشد. یعنی این موضوعاتی که می‌دهد، باید در سطح

توسعه را ببینیم.

استاد حسینی: که در سطح جهانی داریم حرف می‌زنیم.

آقای رضایی: بله. پس یعنی الآن پس، این ساختاری که می‌دهد، ساختار

توسعه است،

استاد حسینی: ساختار توسعه، یا تحول وضعیت جهانی.

آقای رضایی: تحول وضعیت جهانی. تحول وضعیت جهانی در سطح توسعه

است،

استاد حسینی: بله. در مقیاس توسعه است.

آقای رضایی: در مقیاس توسعه است.

استاد حسینی: «والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

متن نهایی بیانیه:

مجمع جهانی زنان مواضع خود را نسبت به سند بدین وسیله بیان نموده، و از زنان پیرو اهل بیت، مسلمان و مستعضفین جهان دعوت می‌نماید تا با همبستگی و هماهنگی، مسئولیت تاریخی خود را در جهت توسعه منزلت تحقیر شده زن، در مبارزه با ستمگری استکبار جهانی به انجام برساند.

سند پکن در عین حالی که اهداف خود را، رفع ستمگری و ستم‌کشی «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» زنان ابراز می‌نمود، لکن در تعیین موضوعات به گونه‌ای چارچوبه سند از قبل طراحی شده بود، که حقوق خرد، به جای تغییر در موازنه تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و نهایتاً روابط جهانی مطرح گردید، بلکه تلاش بر آن شده بود که علت نابسامانی حقوق خرد است. ما دعوت می‌نماییم که دانشگاهیان، کارشناسان، مسئولین روابط جمعی و رسانه‌های گروهی، همت گمارده و ما را در این امر یاری دهند، تا بتوانیم ریشه‌های عمیق محرومیت‌ها را در روابط بین‌المللی جهانی با تحقیقات نظری و کاربردی، نمایان ساخته، و اشک تمساح گونه تزویر ستمگران را، که در طرفداری از محرومیت در قالب نشست‌های بین‌المللی رخ می‌نماید، از نقاب بیرون کشیده و معلوم شود که در جهان فعلی علی‌رغم توسعه تکنولوژی، این توسعه در جهت منافع بشر انجام می‌پذیرد، یا در جهت توسعه ستمگری و ستم‌کشی؟ آشکار گردد که آیا سفارشات تولید اطلاعات، چگونه در جهت منافع حاکمیت یک قشر، و محرومیت اقشار دیگر به وجود می‌آید و چگونه در آموزش آن، در توزیع اطلاعات، بشر به محرومیت کشیده شده، و سپس داعیه آموزش بشر را طرح می‌نماید؟ تناقض‌های ابزارهای تولید عینی دانش، چگونه با داعیه‌های رفع جهل تنظیم می‌گردد؟ و چگونه در آنچه که تولید می‌گردد، محرومیت از اطلاع، تحمیل گردیده؟ و نظام آموزشی در جهان امروز، عهده‌دار چگونه توزیعی است؟ و بستر و شرایط آموزش و پرورش را چگونه سازمان‌دهی می‌نماید؟

با داعیه رفع تبعیض نژادی، چگونه نژادپرستی را در قالب ابزارهای انتقال «قدرت، اطلاع، ثروت» به کار گرفته، و محرومیت را به صورت اتوماسیون، تحمیل بر چه ملت‌هایی و چه اقشاری نموده؟ و مسأله مشارکت در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری را، با چه مدیریت جائزانه، و مستکبرانه‌ای بر مردم جهان تحمیل می‌نماید؟

در قدم اول لازم می‌دانیم اهداف خود را به صورت عینی بیان نماییم:

الف: تغییر ابزار انتقال قدرت در روابط جهانی، در جهت منافع اقشار مستضعف جهان از طریق تحقق بندهای ذیل:

الف/۱: تغییر قوانین و مقررات شورایی امنیت در بخش الگوهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، بر اساس تغییر تعریف امنیت به توسعه مشارکت اقشار مستضعف جهان

الف/۲: تغییر قوانین دیوان داوری بین‌المللی بر پایه محدودیت تصمیم‌گیری در مقیاس روابط جهانی بر پایه حق نظارت شوراها یا غیر رسمی و غیر دولتی، بر قضاوت بین‌المللی و حق تأسیس نشست های جهانی از طرف سازمان‌های غیر دولتی و تقاضای استیضاح قضاوت‌های دیوان داوری، در جهت تغییر داوری‌ها به سوی رعایت منافع اقشار مستضعف جهان به ویژه زنان

ب: تغییر روابط جهانی تولید دانش و توزیع آن، از طریق بندهای ذیل:

ب/۱: محدودیت الگوهای تصمیم‌سازی و روش‌های تصمیم‌گیری، و مقررات یونسکو، در ایجاد سیاست‌های فرهنگی به رعایت ضوابطی که عهده‌دار تنظیم موازنه اطلاعات، در جهت منافع محرومین جهان به ویژه زنان می‌باشد؛

ب/۲: محدودیت رسانه‌های ارتباطی جهان، در ارائه اطلاعات، به رعایت حق محرومین جهان، و ایجاد زمینه استیضاح از طریق سازمان‌های غیر رسمی و استیضاح و مناظره نحوه مدیریت ارتباطات فرهنگ سیاسی جهان، در جهت یاد شده؛

ج: تغییر موازنه اقتصادی در روابط جهانی و تغییر ابزارهای انتقال قدرت و تحمیل محرومیت در جهت توسعه بهره‌وری مستضعفین به ویژه قشر زنان:

ج/۱: سازمان‌های پولی، گروه بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، فائو، گات، ایلو، ملزم به تغییر الگوهای تصمیم‌سازی و روش‌های تصمیم‌گیری در جهت منافع قشر محروم به ویژه زنان می‌باشد.

ج/۲: حق استیضاح جهانی دستگاه‌های توزیع اعتبار مالی، و محصولات اجتماعی اقتصادی، و روابط توزیع آن را به صورت بین‌المللی، در جهت حفظ منافع اقشار محروم به ویژه زنان را، سازمان‌های غیر دولتی دارا می‌باشد.

در پایان:

ما معتقد هستیم که ریشه‌های نابرابری، گسیختگی، تنازع، عدم تفاهم، عدم مشارکت، که اساس فقر و جهل و بیماری می‌باشد، در کالبد روابط مدیریت جهانی است، که خود، محروم می‌سازد، و سپس نقاب مددکاری محروم را در موضوعات خرد، به چهره می‌زند.

مستقیم داشته، و زبانی که می‌توانند ما را در این سطح یاری دهند و از اطلاعات عینی جهان،

[صوت قطع]

که آثار آن ظاهر است، اثبات تحقیقاتی نموده، بر مبنای استنتاج جدیدی از اطلاعات غیر قابل انکار، زمینه تحقیقات جدید را فراهم نموده و بر پایه تحقیقات جدید، بشریت را از تزویر این مرحله تاریخ آگاه سازند. ما معتقد هستیم که آگاهی بشر از ترفندهای ننگین مستکبرین، زمینه تغییر موازنه‌ها را فراهم می‌سازد.

امضاء: مجمع جهانی زنان.